

تعریف جهانی از حرفه مددکاری اجتماعی

مددکاری اجتماعی یک حرفه مبتنی بر اقدام و یک رشته دانشگاهی است که توسعه و تغییر اجتماعی، انسجام اجتماعی و توانمندسازی و آزادسازی انسانها را تسهیل می‌کند. عدالت اجتماعی، حقوق بشر، مسئولیت جمعی و احترام به تفاوتها از اصول اساسی مددکاری اجتماعی می‌باشند. مددکاری اجتماعی، با تکیه بر نظریه های مددکاری اجتماعی، علوم اجتماعی، علوم انسانی و دانش بومی، انسانها و ساختارها را برای مواجهه با چالشهای زندگی و ارتقاء رفاه و بهزیستی درگیر می‌کند.

(تعریف بالا از مددکاری اجتماعی را می‌توان در سطوح ملی/ منطقه ای گسترش داد)

نکاتی درباره تعریف جهانی مددکاری اجتماعی

نکات زیر برای توضیح مفاهیم اصلی استفاده شده در این تعریف نوشته شده و ارتباط آن با الزامات، اصول، دانش و اقدام حرفه مددکاری اجتماعی تشریح شده است.

الزامات اساسی

الزامات اساسی حرفه مددکاری اجتماعی شامل ترغیب برای تغییر اجتماعی، توسعه اجتماعی، انسجام اجتماعی و توانمندسازی و آزادسازی انسانها است.

مددکاری اجتماعی یک حرفه مبتنی بر اقدام و یک رشته دانشگاهی است که عوامل همبسته ی تاریخی، اجتماعی اقتصادی، فرهنگی، فضایی، سیاسی و فردی به عنوان فرصتها و/یا موانع بهزیستی توسعه بشری به رسمیت می‌شناسد. موانع ساختاری در بقاء نابرابریها، تبعیض، استثمار و ستم نقش دارند. توسعه آگاهی نقادانه از طریق ایجاد برنامه های عملی دراز مدت در جهت رفع موانع ساختاری و فردی، از اقدامات اصلی رهایی بخش و با هدف توانمندسازی و رهایی انسانها است. حرفه مددکاری اجتماعی می‌کوشد تا با ابراز همبستگی با کسانی که از مزایای اجتماعی محرومند برای فقرزدایی تلاش کند، افراد ستمدیده و آسیب پذیر را آزاد سازد و شمول اجتماعی و انسجام اجتماعی را ارتقاء بخشد.

الزام به تغییر اجتماعی بر پایه این پیش فرض است که مداخلات مددکاری اجتماعی زمانی صورت می‌گیرد که بنظر برسد وضعیت جاری، چه در سطح فردی، خانوادگی، گروه های کوچک، محله یا جامعه، نیازمند تغییر و توسعه است. این امر از لزوم به چالش کشیدن و تغییر دادن آن دسته از شرایط ساختاری ناشی می‌شود که در ایجاد حاشیه نشینی، طرد اجتماعی و ظلم نقش دارند. از طریق مداخلات تغییرگرایانه، جایگاه عامل انسانی در ارتقاء حقوق انسانها و عدالت اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی بازشناخته می‌شود. به همان میزان، این حرفه به حفظ ثبات اجتماعی نیز متعهد است مشروط به اینکه از این ثبات برای به حاشیه راندن، به انزوا کشاندن و ظلم کردن به گروههای خاصی از افراد استفاده نشود.

مفهوم توسعه اجتماعی در معنای استراتژیهای مداخله، تصمیمات مدیرانه و چارچوبی برای سیاست گذاری فرض می‌شود. (ضمن اینکه چارچوب های نهادی، مرسوم و باقیمانده نیز در این تعریف نهفته است). توسعه اجتماعی مبتنی بر مداخلات و ارزیابی ها جامع زیستی روانی اجتماعی، و معنوی است که فراتر از تقسیم بندی بین سطوح خرد و کلان بوده و سطوح سیستمهای چندگانه را با همکاریهای بین بخشی و درون بخشی و درون حرفه ای درهم می آمیزد تا هدف توسعه پایدار تامین گردد. اولویت

توسعه اجتماعی گسترش ساختاری اجتماعی و اقتصادی است و با پنداشت عامه پسند مرسومی که رشد اقتصادی را پیش نیاز توسعه اجتماعی می داند موافق نیست.

اصول

اصول پایه ای مددکاری اجتماعی عبارتند از احترام به ارزش و شأن ذاتی وجود انسان، اجتناب از آسیب زدن، احترام به تفاوتها و حمایت از حقوق انسانها و عدالت اجتماعی. دفاع و حمایت از حقوق انسانها و عدالت اجتماعی انگیزه و توجیه کننده وجود مددکاری اجتماعی است. حرفه مددکاری اجتماعی این اصل را به رسمیت می شناسد که حقوق انسانها و مسئولیت جمعی لازم و ملزوم اند. اعتقاد مسئولیت جمعی این واقعیت را برجسته تر می سازد که حقوق انسانها تنها در صورتی می تواند در زندگی روزمره تحقق می یابد که افراد نسبت به یکدیگر و محیط زیست خود مسئولیت پذیر باشند، و اهمیت برقراری روابط تعاملی درون اجتماعات خود را بپذیرند. بنابراین، یکی از نقاط اصلی توجه مددکاری اجتماعی دفاع از حقوق انسانها در همه سطوح و تسهیل پیامدهای مسئولیت پذیری مردم در قبال بهزیستی یکدیگر، و توجه و احترام به وابستگی افراد به یکدیگر، و بین مردم و محیط زیستشان است

مددکاری اجتماعی حقوق نسل اول و دوم و سوم را می پذیرد. حقوق نسل اول همانا حقوق مدنی و سیاسی مانند آزادی بیان و وجدان و آزادی از شکنجه و حبس بدون محاکمه است. حقوق نسل دوم مربوط به حقوق اجتماعی اقتصادی و فرهنگی است که شامل سطوح منطقی حق تحصیل، خدمات سلامت و مسکن و حقوق مربوط به زبان اقلیتهاست و حقوق نسل سوم معطوف به جهان طبیعی و حق حیات گونه های مختلف و عدالت بین نسلی است. این حقوق بطور دوطرفه همدیگر را تقویت می کنند و از درون وابسته به هم بوده، و موافق حقوق فردی و جمعی انسانها هستند.

در برخی موارد، "آسیب زدن" و "احترام به تفاوتها" ممکن است بیانگر ارزشهای متضاد و مغایر باشد. مثل جایی که به نام فرهنگ، حق زندگی گروهی از افراد مانند زنان رعایت نمی شود. "استانداردهای جهانی آموزش و تربیت مددکاری اجتماعی" این مساله پیچیده را مد نظر داشته و حامی این مطلب است که مددکاران اجتماعی همواره با رویکرد طرفداری از حقوق اساسی انسانی آموزش می بینند و چنین توضیح می دهد که:

چنین رویکردی ممکن است هر جا که عقاید فرهنگی، ارزشها و سنتها به حقوق اساسی انسانها تجاوز می کند، تسهیل کننده برخورد سازنده و تغییر باشد. فرهنگ همچنانکه، یک برساخته ی اجتماعی بوده و پویاست می تواند موضوع تغییر و ساخت گشایی هم باشد. چنین مواجهه، ساخت گشایی و بهم ریختن سازه های اجتماعی ممکن است با درک و همساز شدن با ارزشهای فرهنگی، باورها و سنتهای یک گروه خاص و از طریق گفت و شنود بازتاب دهنده و انتقادی با اعضای آن گروه فرهنگی برای رویارویی با مسایل بزرگتر مربوط به حقوق انسانها تسهیل گردد.

دانش

تعریف پیشنهادشده حاضر، موید آنست که مددکاری اجتماعی نه تنها مورد پذیرش برای اقدام در فضا های خاص و نظریه های غربی است، بلکه همسو با دانش بومی در سایر فضاها است. بخشی از میراث استعمار این است که نظریه های غربی و دانش تولید غرب از اعتبار منحصر به فرد برخوردار است، و دانش بومی سایر کشورها فاقد ارزش و یا کم اعتبار تلقی شده و تحت استیلای

نظریه ها و دانش غربی قرار گرفته است. تعریفی که برای مددکاری اجتماعی پیشنهاد شده است سعی دارد تا مانع این روند و باعث وارونه سازی این فرایند شود و موبد این واقعیت است که افراد بومی هر منطقه، کشور یا محدوده ای، دارای ارزشها، راههای کسب دانش، و روش های انتقال دانش خاص خود هستند و سهم ارزنده ای در تولید علم دارند. مددکاری اجتماعی به دنبال جبران استعمار علمی غرب در طول تاریخ و استیلای غربی از طریق شنیدن صداهای افراد بومی و آموختن از آنها در سراسر جهان است. بدین طریق دانش مددکاری اجتماعی با مشارکت افراد بومی تولید شده و شکل خواهد گرفت و بطور مناسب تری، نه تنها در فضاهای محلی بلکه در سطح بین المللی، کاربرد خواهد داشت.

بر اساس تعاریف سازمان ملل متحد، فدراسیون بین المللی مددکاران اجتماعی (IFSW) ، "افراد بومی" را اینگونه تعریف می کند:

- افرادی که در یک منطقه جغرافیایی مشخص (یا وابسته به آن) که سرزمین اجدادیشان است زندگی می کنند
- افرادی که به حفظ نهادهای مشخص اجتماعی، اقتصادی و سیاسی درون سرزمین های خودشان گرایش دارند.
- افرادی که معمولاً از حیث فرهنگ، منطقه جغرافیایی، و نهادهای اجتماعی، بجای آنکه کاملاً جذب جامعه ملی شوند با تمام وجود تمایل دارند هویتی مشخص داشته باشند.
- افرادی که خود را بومی یا عضو یک قبیله می شناسند.

اقدام

حقانیت و الزامات مددکاری اجتماعی در جاهایی از مداخلاتش خودنمایی می کند که انسانها با محیط زیست خود در تعامل هستند. محیط زیست شامل نظام های اجتماعی مختلفی است که افراد در آن نقش دارند و این محیط زیست طبیعی و جغرافیایی تأثیر عمیقی بر زندگی آن افراد دارد. روش شناسی مشارکتی که در مددکاری اجتماعی از آن حمایت می شود در این جمله منعکس است که " انسانها و ساختارها را برای چالشهای زندگی و ارتقای سطح بهزیستی خود درگیر می سازد". مددکاری اجتماعی تا جایی که ممکن است حامی کارکردن با افراد، به جای کار برای افراد است. همگام با الگوی توسعه اجتماعی، مددکاران اجتماعی طیفی از مهارتها، تکنیکها، راهبردها، اصول و فعالیتهای در سطوح مختلف را بکار می گیرند که در جهت حفظ سیستم و یا تلاشهای معطوف به تغییر سیستم است. اقدام مددکاری اجتماعی دربرگیرنده گستره ای از فعالیتهای شامل شکل های مختلف درمان و مشاوره، کار با گروهها و کار جامعه محور، صورت بندی خط مشی ها و تحلیل آنها می شود. از منظر رویکرد رهاسازی افراد از بندهای اجتماعی که این تعریف از آن حمایت می کند، استراتژی ها یا اهداف بلند مدت مددکاری اجتماعی متوجه افزایش امید انسانها، عزت نفس و ظرفیت خلاقانه آنها برای مواجهه و چالش با نیروهای سرکوبگر قدرت و منابع ساختاری بی عدالتی است و از این روست که با یک کل منسجمی از ابعاد مداخله ای خرد کلان، و شخصی سیاسی در می آمیزد. تمرکز جامع نگر مددکاری اجتماعی، جهانشمول است اما اولویتهای اقدام مددکاری اجتماعی از کشوری به کشور دیگر و از زمانی به زمان دیگر بسته به شرایط تاریخی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی اقتصادی متفاوت خواهد بود.

این مسئولیت مددکاران اجتماعی در سراسر جهان است که از ارزشها و اصولی که در این تعریف قید شده اند دفاع کنند و آن را تقویت کرده و تحقق بخشند. یک تعریف مددکاری اجتماعی زمانی می تواند معنا داشته باشد که مددکاران اجتماعی نسبت به ارزشها و چشم انداز مددکاری اجتماعی فعالانه متعهد باشند.

طرح های الحاقی که در مجمع عمومی فدراسیون مددکاران اجتماعی در ارتباط با تعریف جهانی مددکاری اجتماعی تصویب شد:

"هیچ بخشی از این تعریف نباید به گونه ای تدوین شود که با سایر بخشهای آن تناقض داشته باشد"
"بسط تعریف در سطوح ملی و/یا منطقه ای نباید با معنای اجزای مختلف این تعریف و با روح کلی آن تناقض داشته باشد"

"از آنجایی که تعریف مددکاری اجتماعی عنصر کلیدی هویت بخشیدن به یک گروه شغلی است، بازبینی برای تغییر این تعریف در آینده باید تنها بعد از ارزشیابی دقیق فرایند اجرای آن و وجود نیاز برای تغییر صورت بگیرد. انتخاب نخست می باید افزودن نکات و نظرات بیشتر به این تعریف پیش از تغییر آن باشد.